

بررسی تفویض تشریح به پیامبر و ائمه از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

جوادی پورروستایی*

صفورا مظاهری**

چکیده

تفویض تشریح به معصومین علیهم‌السلام در بسیاری از روایات، از مباحثی است که رد و پذیرش آن در علوم اسلامی، نزاع‌های زیادی را به همراه دارد. هر کدام از عالمان شیعه با توجه به یکی از ابعاد موضوع، سعی در ارائه مفهوم و دلیلی جهت رد یا پذیرش آن نموده‌اند و دو گروه مخالف و موافق را تشکیل می‌دهند که گاهی منجر به ارائه مفاهیم متعدد از این واژه و نیز مخالفت و موافقت با تفویض تشریح در آرای یک اندیشمند می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، با فرض پذیرش تفویض تشریح از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، تبیین‌های مختلف ایشان از مفهوم تفویض تشریح و ادله آن را ارائه و به این نتیجه می‌رسد که علی‌رغم اینکه ایشان از مخالفان تفویض تشریح به نظر می‌رسد، ولی مفاهیم و ادله‌ای از تفویض، با محوریت انسان کامل در نظام تشریح و نیز رابطه بین نظام تشریح و تکوین ارائه و تفویض تشریح را در محدوده «ولایت در تشریح» و «ولایت بر تشریح» می‌پذیرد.

واژگان کلیدی

تفویض تشریح، ولایت در تشریح، ولایت بر تشریح، انسان کامل، جوادی آملی.

pourroustae@yazd.ac.ir

safooramazaheri@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۹

*. استادیار دانشگاه یزد و مدرس معارف اسلامی.

** کارشناس ارشد شیعه‌شناسی دانشگاه یزد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۶

طرح مسئله

یکی از مباحث دامنه‌دار و پرحاشیه در کلام، فلسفه، معارف قرآن و حدیث، مسئله تفویض امر دین به پیامبر اکرم و ائمه است. بیشتر عالمان دینی، این موضوع را ذیل بحث «ولایت تشریحی» و «امامت و ولایت» مطرح کرده‌اند. اشکالات فراوانی در پذیرش یا رد این مسئله وجود دارد و این موجب شده بحث‌های زیادی بین موافقان و مخالفان پدید بیاید. بسیاری از مخالفان، مواردی از تفویض تشریح را از جانب خداوند به پیامبر، استثنا یا توجیه کرده‌اند که با توجه به براهین عقلی محل استناد، تعداد این استثناها می‌تواند بیشتر شود.

شیخ صدوق معتقد است: «... فَوَضَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّهِ ﷺ أَمْرَ دِينِهِ وَلَمْ يَفَوْضْ إِلَيْهِ تَعَدِّي حُدُودِهِ»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱ / ۴۱) او در تبیین بیشتر بحث می‌گوید: اگر امور دین به معصومین واگذار شود، به گونه‌ای که تنها رأی ایشان بدون وحی دخیل باشد، این ضروری البطلان و خارج از شریعت است و اگر خداوند ابتدا پیامبر را به مرتبه‌ای از کمال برساند تا جایی که تنها خواست وی را بپذیرد و این مخالف امر خداوند نباشد و سپس برای بیان بزرگی پیامبر، برخی از امور دینی را به ایشان تفویض نماید و این تفویض را با وحی تأکید کند، این تفویض قابل پذیرش عقلی و نقلی است و شامل ائمه هم می‌شود. (همان: ۴ / ۵۴۶)

با وجود موافقت ضمنی صدوق با تفویض تشریح، مجلسی اول رأی او را در عبارت: «لَمْ يَفَوْضْ إِلَيْهِ تَعَدِّي حُدُودِهِ» رد کرده و زیاد کردن رکعات نماز را از جانب پیامبر بدون وحی از موارد تعدی از حدود نمی‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱ / ۱۴۳) به گمان فیض کاشانی، صدوق با وجود برشمردن روایاتی در این باب، حق تشریح را برای معصومین به طور کامل نپذیرفته است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۶ / ۳۲۲ - ۳۲۱)

پیچیدگی در ارائه مفهوم تفویض تشریح و پذیرش یا عدم پذیرش آن در دیدگاه شیخ مفید نیز به چشم می‌آید. شیخ مفید مفوضه را از غلات دانسته، با رد غلات، آنها را متظاهر به اسلام می‌داند. از نظر او، مفوضه معتقدند خداوند معصومین را خلق نمود و سپس همه امور را به ایشان واگذار کرد. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۳۴ - ۱۳۱) از سوی دیگر، او به دلیل عقیده علمایی مانند شیخ صدوق به محدوده خاصی از تفویض تشریح به معصومین آنها را مقصر در دین دانسته است که ائمه را از جایگاه و مرتبت حقیقی خود پایین آورده‌اند. (همان: ۱۳۵)

سید مرتضی با وجود اینکه نسخ احکام قرآن را با سنت متواتر و حتی اجماع جایز دانسته است (علم‌الهدی، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۶۰) و واگذاری برخی امور به پیامبران را در قالب معجزه استثنا می‌نماید، (همان: ۲ / ۱۸۲) از مخالفان تفویض تشریح است و تأکید می‌کند که اجازه (امکان عقلی) واگذاری امور شرعی به پیامبر یا هیچ حاکم دیگری وجود ندارد؛ حتی اگر خواست پیامبر، عین صواب باشد. (همان: ۲ / ۱۸۳)

علامه طباطبایی، روایات دال بر تفویض را فراوان دانسته و با وجود این، مفهوم تفویض را مجمل تعریف

۱. خداوند امر دینش را به پیامبر تفویض کرده و تعدی از حدودش را تفویض نکرده است.

کرده است و با بیان این نکته که تفویض به معنای سلب اختیار از خداوند نیست، با طرح یکی از روایات در این باب و پذیرش آن، تفویض را به معنای امضای خداوند بر تشریحات پیامبر اکرم و واجب بودن اطاعت ایشان و نیز واگذاری ولایت پیامبر بر امور مردم می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۲۱۰)

آیت‌الله مکارم شیرازی با وجود اینکه نظام تشریح را همانند نظام تکوین منحصر در اختیار خداوند و اراده او می‌داند و با استناد به آیاتی از قرآن برای هیچ‌کس جز پروردگار، حق تشریح در وضع احکام قائل نیست، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۱ / ۱۵۷) در مواجهه با روایات تفویض، چنین نتیجه می‌گیرد که خداوند در موارد محدودی، این اختیار را به پیامبر داده تا به اذن او قانون‌گذاری کند؛ با این تأکید که قانون‌گذاری پیامبر در نهایت باید به امضای خداوند برسد. (همو، ۱۳۸۶: ۱۰ / ۸۱) پذیرش موارد محدود تفویض تشریح به پیامبر از منظر آیت‌الله مکارم، به این معنا است که پیامبر از سوی خداوند ولایت بر تشریح دارد. ایشان از روایات تفویض نتیجه می‌گیرد که خداوند ولایت بر تشریح را اجمالاً و در موارد خاصی به پیامبر اعطا کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۵۳۵)

نگاه متفاوت به مسئله تفویض در آرای هر کدام از مخالفان، این نتیجه را به ذهن متبادر می‌کند که بسیاری از مخالفان، تفویض را در نهایت موافق برخی از روایات تفویض می‌دانند و هم‌رأی با موافقان تفویض هستند که بنا بر در نظر گرفتن مصالحی یا اهمیت برخی از مسائل عقلی و کلامی نسبت به برخی دیگر، گاه با تفویض مخالفت کرده‌اند. وجه اشتراکی که در آرای موافقان و مخالفان مشهور و در آرای به‌ظاهر متفاوت برخی از عالمان بزرگ - که در نگاه اول مخالف تفویض هستند - به چشم می‌آید، عبارت است از: ۱. در نظر گرفتن اذن الهی در واگذاری امر دین به معصومین؛ ۲. عدم استقلال ایشان در وضع تشریح.

برخی معتقدند نزاع بین موافقان و مخالفان تا حدودی اختلاف لفظی است؛ یعنی منظور مخالفان، عدم توجه به استقلال معصومین در جعل تشریح است و مقصود موافقان، جعل تشریح از سوی معصومین در طول ولایت تشریحی خداوند و با اذن اوست. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۶: ۵۲۳)

آیت‌الله جوادی آملی که هم در کتب تفسیری و دروس تفسیر خود و هم به‌گونه ویژه در کتب ادب فنای مهربان، ولایت در قرآن، شمیم ولایت و ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت به تبیین و اثبات تفصیلی ولایت تشریحی معصومین پرداخته است؛ ولی به دلیل پیچیدگی موضوع، تبیین‌های متفاوتی از تفویض ارائه داده است که شاید بتوان آن را یک تغییر نظر قلمداد کرد.

این پژوهش بدون بررسی آرای دیگر عالمان شیعه و اهل سنت و نیز فارغ از تبیین تفصیلی ولایت تشریحی، فرضیه پژوهشی «اثبات تفویض‌پذیری تشریح در نگاه آیت‌الله جوادی» را پیش‌رو دارد و با روش توصیفی و تحلیلی، ضمن تبیین دو دیدگاه و مفهوم و ادله تفویض از منظر ایشان، این ادعای برخی محققان

که آیت‌الله جوادی آملی را مخالف تفویض تشریح به‌شمار می‌آورند،^۱ به چالش کشیده است. به‌جز تقریر جامع دیدگاه آیت‌الله جوادی در بحث تفویض تشریح، لزوم دقت بیشتر در جایگاه و ساحت اهل بیت در نظام تشریح، از نتایج ضمنی بحث است که باید مدنظر همگان قرار گیرد.

مفاهیم

ابتدا لازم است مفاهیم وابسته به تفویض تشریح، بیشتر تبیین شود:

۱. **ولایت تکوینی اخص**؛ گونه‌ای از ولایت تکوینی خداوند است که در آن، رحمت و عنایت الهی شامل حال انبیا و اولیای الهی می‌شود و به هیچ‌یک از سایر مؤمنین تعلق نمی‌گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۷۴) قرآن کریم از زبان پیامبر اکرم می‌فرماید: «إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ»^۲ (اعراف / ۱۹۶) همچنین صریحاً بیان می‌کند: «... اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ...»^۳ (انعام / ۱۲۴) در واقع علت اینکه انبیا و اولیا، سرپرستان امر دین هستند، با توجه به آیات: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»^۴ (انبیاء / ۷۳) و «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»^۵ (بقره / ۱۲۴) علاوه بر استحقاقی که از طریق عبودیت کسب کرده‌اند، مصالحی از جمله هدایت‌گری عالم هستی، سرپرستی همراه با عنایت و هدایت ویژه‌ای است که اعطایی به‌شمار می‌آید و ریشه در قوانین نظام تکوین دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۳۰۴ / ۱ - ۲۶۹ - ۲۶۸)

ولایت تکوینی اخص می‌تواند ولایت تکوینی - تصرفی معصومین را در پی داشته باشد؛ یعنی هر یک از معصومین که مصداق انسان کامل در هر زمان هستند، می‌توانند به اذن و اراده خداوند - نه به‌صورت مستقل و ذاتی - در تمامی جهان تصرف کنند؛ به‌گونه‌ای که مجری اراده او باشند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۷ / ۵۷ - ۵۳)

۲. **ولایت تشریحی**؛ این نوع ولایت، سرپرستی بر تمام شئون و قوانین زندگی انسان و نیز فراهم آوردن سازوکارهای اجرای این تشریعیات، مطابق عالم تکوین و سعادت ابدی انسان است و چون خداوند تنها کسی است که حقیقتاً و ذاتاً از سعادت انسان آگاهی کامل دارد، ولایت تشریحی به‌طور ذاتی و استقلالی از آن اوست و از آن‌رو که وجود یک حاکم در رأس یک جامعه انسانی ضروری است و شأن وجودی خداوند نیست که مستقیماً بر مردم حکومت کند، پس باید کسی از جنس مولی‌علیه، ولایت بر

۱. سفری و کرمانی کجور، ۱۳۹۲: ۹ / ۱۷۱ - ۱۷۰؛ فاریاب، ۱۳۹۴: ۶۹ معتقدند آیت‌الله جوادی پذیرش تفویض تشریح را در مقام ثبوت دچار محذور عقلی می‌داند. (علیزاده نجار، ۱۳۹۳: ۱۰۲ - ۱۰۱)

۲. به راستی که سرپرست من، خدایی است که کتاب [قرآن] را فرو فرستاده و او شایستگان را سرپرستی می‌کند.

۳. خدا داناتر است که رسالتش را کجا قرار دهد.

۴. و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] رهنمون می‌شوند.

۵. درواقع من تو را امام [و پیشوای] مردم قرار دادم.

ایشان را از سوی خداوند بر عهده داشته باشد و از این طریق، ولایت تشریحی برای اولیای الهی از جانب خداوند به اثبات می‌رسد. (همان: ۳۴ - ۳۱) یکی از مهم‌ترین دلایل نقلی ولایت تشریحی برای پیامبر و معصومین آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»، (مائده / ۵۵) معروف به آیه ولایت است که براساس روایات متواتر، در شأن حضرت علی علیه السلام و به تبع ایشان، در شأن سایر امامان نازل شده است. (طباطبایی، همان: ۶ / ۱۵) تفویض تشریحی، یعنی واگذاری ولایت تشریحی از سوی خداوند به غیر خود برای اجرای تشریحات و عمل به آنها، می‌تواند در دو عنوان زیر مطرح شود:

الف) ولایت بر تشریح؛ این نوع ولایت، بر جعل قانون و وضع موارد آن است که با توجه به آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف / ۶۷ و ۴۰؛ فرقان / ۴۴؛ انعام / ۵۷) و براساس توحید در ربوبیت، مبدأ حقیقی و استقلالی برای وضع قانون را به صورت تکوینی در اختیار خداوند و تنها از آن او می‌داند؛ یعنی قانون دین و شریعت، تنها براساس اراده الهی وضع می‌شود و این امر تخلف‌ناپذیر است؛ این در حالی است که انسان مختار است که در اطاعت از این قانون، نافرمانی و عصیان کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۳، ۱۲۵ - ۱۲۴)

قلمرو ولایت بر تشریح، فعل خداوند (شارع حقیقی) است و از آن به عنوان «ارادة التشریح» (ولایت بر اراده تشریح)، تعبیر می‌شود و از این حیث، با وجود اینکه از امور اعتباری و قراردادی است، از نوع ولایت تکوینی شمرده می‌شود. (همان: ۱۲۵) «ارادة التشریح» تشریحی تکوینی است؛ به این صورت که اراده تکوینی خداوند به فعل تشریحی (قانون الهی) او تعلق دارد؛ یعنی قانون دیگری صحیح نیست و جعل قانون جامع و کاملی که خداوند وضع کرده، به این دلیل که از سنخ تکوین است، تکویناً قابل تخلف نیست. (همان: ۱۲۵) «ارادة التشریح»، واژه‌ای تقریباً منحصر به فرد از آیت‌الله جوادی است؛ بقیه مفسران، بین آن و اراده تشریحی‌هایی که اغلب در فقه و اصول تعریف شده، تمایزی قائل نشده‌اند.

در دانش‌های فقه و اصول فقه، چون اراده خداوند به فعل انسان مکلف تعلق دارد و انسان می‌تواند از آن تخلف کند، از آن به اراده تشریحی (ولایت در تشریح) یاد می‌شود. (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۹: ۱ / ۸۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۲۴۹)

ب) ولایت در تشریح؛ این نوع، ولایتی در محدوده شریعت و تابع قوانین آن است. این ولایت تکویناً اعتباری و قراردادی است و برای اجرای قوانین الهی تکویناً لازم است تا افرادی اعم از معصوم (تعیین خاص) و غیرمعصوم (تعیین عام) این ولایت را از سوی خداوند برعهده داشته باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۲۵ - ۱۲۴)

با توجه به خلاصه کلام آیت‌الله جوادی در برخورد با روایات تفویض و در نظر گرفتن نزاع بین موافقان و مخالفان تفویض، می‌توان گفت محل نزاع در بحث تفویض امر دین، در داشتن یا نداشتن ولایت بر تشریح معصومین از سوی خداوند به ایشان است و بین مخالفان و موافقان تفویض تشریح، بر اذن خداوند در داشتن این ولایت برای معصومین و نحوه تفویض آن به ایشان، اختلاف اساسی وجود ندارد.

محورهای چالش در تفویض تشریح

در رد یا پذیرش تفویض تشریح، وجوه زیر از مهم‌ترین چالش‌های اعتقادی است که معمولاً با آن مواجه هستیم:

۱. **سلب قدرت و ربوبیت خداوند؛** شاید پذیرش تفویض این نتیجه را در پی داشته باشد که قدرت و ربوبیت خداوند قطع شود. قریب به اتفاق موافقان تفویض در بین عالمان شیعه نظیر علامه مجلسی، این نتیجه‌گیری از تفویض را با عبارت: «فهذا كفر صريح» عقلاً مردود و محال می‌دانند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳ / ۱۴۳)

۲. **اندیشه‌های غالیانه و کفرآلود؛** پذیرش تفویض می‌تواند تفکرات غالیانه در مورد معصومین را پدید آورد. امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون از این تفکرات بیزاری جسته، می‌فرماید: «أَنَا أُتْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِمَّنْ يَغْلُو فِينَا وَيُفَعَّنَا فَوْقَ حَدِّنَا»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۲۰۱) با وجود این، امام رضا علیه السلام تفویض امر دین به پیامبر و به تبع آن ائمه را صحیح می‌داند^۲ (همان: ۲۰۲) و تنها تفویض تکوینی درباره خلق کردن و روزی دادن به معصومین را ناصحیح و اعتقاد به آن را برابر با شرک می‌داند.^۳ (همان: ۱ / ۱۲۴)

۳. **اجتهاد شخصی پیامبر؛** گرچه علامه مجلسی تشریح پیامبر به غیر وحی را عقیده باطلی دانسته که هیچ عاقلی به آن اعتقاد ندارد، (مجلسی، همان: ۱۴۴) هم رد و هم پذیرش تفویض، تداعی‌کننده نظریه بسیاری از عالمان اهل سنت و حتی برخی شیعیان است که بیان احکام از جانب پیامبر از طریق علم حصولی و اجتهاد منفصل از وحی را به معنای رأی و تجربه شخصی می‌دانند.

قرطبی، مفسر اشعری اهل سنت، با استناد به آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ»، (نساء / ۱۰۵) حکم دادن پیامبر در بین مردم را براساس اجتهاد شخصی ایشان می‌داند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۵ / ۳۷۵) عسقلانی شافعی مذهب نیز معتقد به اجتهاد پیامبر در صدور برخی از احکام بوده، نتیجه می‌گیرد که فقها نیز در بیان احکام می‌توانند براساس اجتهاد شخصی خود عمل کنند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۴ / ۴۹) در میان شیعه، برخی امکان اجتهاد پیامبران را پذیرفته‌اند؛ اما وقوع آن را دور از انتظار دانسته‌اند. شیخ طوسی اجتهاد نبوی را محال نمی‌داند؛ ولی دلیلی برای وقوع آن نمی‌پذیرد؛ چراکه معتقد است در صورت پذیرفتن هرگونه اجتهاد شخصی پیامبران، می‌توان از آنان تبعیت نکرد و این خلاف قرآن است. (طوسی، بی تا: ۲ / ۵۳۲) وقتی اجتهاد شخصی و منفصل از وحی برای پیامبر و به تبع آن برای سایر معصومین جایز شد، شأن و مقام ولی‌الله در سطح برترین دانشمندان یا علمای ابرار زمان خویش تنزل یافته، علم و عصمت الهی ایشان محل تردید قرار می‌گیرد. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۷ و ۷۳؛ کدیور، ۱۳۸۵: ۱۰۲ - ۹۲)

۱. من از آنچه در حق ما غلو شود و حد ما را بالا برد، به سوی خداوند بیزاری می‌جویم.

۲. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوْضَ إِلَى نَبِيِّهِ ﷺ أَمْرٍ دِينِهِ؛ خداوند امر دینش را به پیامبر تفویض نمود.

۳. امام می‌فرماید: «وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْضَ أَمْرَ الْخَلْقِ وَالرِّزْقِ إِلَى حُجَّجِهِ ﷺ فَقَدْ قَالَ بِالتَّفْوِضِ... وَالْقَائِلُ بِالتَّفْوِضِ مُشْرِكٌ؛ کسی که گمان برد خلق و روزی به حجج خداوند تفویض شده‌اند، قائل به تفویض است ... و معتقد به تفویض مشرک است ...».

۴. **شبهه خاتمیت؛** پذیرش تفویض تشریح می‌تواند تداعی کننده «تضاد اصل امامت با ختم نبوت» در بسیاری از اهل سنت و روشنفکران باشد. نویسنده‌ای با تلفیق شبهات اهل سنت و افرادی چون عبدالکریم سروش، در کتابی تحت عنوان *تئوری امامت در ترازوی نقد* اعتقاد شیعیان به حجیت قول و فعل معصوم و ارتباط او را با غیب در امر دین به چالش می‌کشد. (نیکویی، ۱۳۹۴: ۲۱، ۸۸ - ۸۶) و عقیده به مقارن بودن قرآن و اهل بیت و لزوم تبعیت از ایشان در حدیث ثقلین را به‌خصوص در زمان غیبت دارای اشکال می‌داند که می‌تواند باعث گمراهی بسیاری شود. (همان: ۹۳)

تفویض تشریح از منظر آیت‌الله جوادی آملی

با توجه به وجوه چالش برانگیز رد یا پذیرش تفویض، می‌توان در آثار نوشتاری و گفتاری آیت‌الله جوادی تبیین‌های متفاوتی از تفویض را مشاهده نمود که به‌اختصار عبارت‌اند از دو تقریر ظاهراً متناقض شامل: تفویض‌ناپذیری تشریح به معصومین و تفویض‌پذیری تشریح به ایشان.

۱. تفویض‌ناپذیری تشریح به معصومین

از منظر آیت‌الله جوادی، تحلیل عقلی و فلسفی تفویض‌ناپذیری تشریح، چنین است:

الف) قدرت بی‌نهایت خداوند؛ اگر خداوند عرصه‌ای را به دیگری تفویض کند، به‌گونه‌ای که قدرت او نامحدود شود یا قدرت او در آن زمینه اعمال نشود، این امر با برهان ربوبیت و قدرت نامحدود خداوند در تضاد و در نتیجه محال است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۷ / ۳۹)

ب) فاعلیت استقلالی خداوند؛ لازمه هر گونه تفویض، فاعلیت استقلالی هر کسی یا هر چیزی است که شامل معصوم نیز می‌شود و این امر با برهان وجوب و امکان در تضاد است؛ زیرا همه ممکنات در برابر خداوند فقیر محض هستند و نمی‌توانند مستقل باشند. (همان: ۳۹) آیت‌الله جوادی تفاوت مجتهد با معصوم در حوزه تشریح را با وجود تفویض‌ناپذیری تشریح احکام به معصومین در این می‌داند که مجتهد با اجتهاد خود و براساس ظن حکم می‌دهد؛ درحالی که معصوم، مجرای ظهور اراده تشریحی خداوند و زبان اراده تشریحی خداوند در مقام فعل خداوند است. این امر از منظر آیت‌الله جوادی به‌معنای تفویض امر تشریح به معصومین نیست. (همان: ۴۰ - ۳۹)

آیت‌الله جوادی حتی تفویض به‌معنای تبیین احکام را نمی‌پذیرد. تحلیل عقلی وی این است که تبیین احکام از سنخ احکام تشریحی، مانند حلال و حرام و نیز از سنخ محال عادی هم نیست تا بتوان با طرح مسئله اعجاز آن را حل کرد؛ بلکه واگذاری کاری از جهان به هر موجود ممکن - که شامل پیامبر نیز می‌شود - بدین معنا است که کار واگذار شده، تنها در مقام حدوث به مبدأ فاعلی ربط پیدا می‌کند و در مرحله بقا، منجر به استقلال مبدأ قابل (موجود ممکن) می‌شود و چون محال است که در هر یک از کارهای تمام جهان - چه در

حدوث و چه در بقا - حضور خداوند قطع شود، لذا ایشان تفویض را در تکوین و در تشریح از نظر ذاتی و نیز از نظر عقلی محال می‌دانند. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۸ / ۱۰۸ - ۱۰۶)

ایشان از روایات معتبر تفویض نتیجه می‌گیرد که به‌واقع تفویضی صورت نگرفته است؛ چراکه اراده پیامبر، تابع وحی الهی است که در برخی موارد به‌صورت وحی و برخی موارد به‌صورت الهام بر زبان پیامبر جاری می‌شود؛ زیرا وحی و اراده الهی را از صفات فعل خداوند می‌داند که مبدأ قابلی را برای مظهریت می‌خواهد (همان: ۱۰۹ - ۱۰۸) و مظهر او انسان کامل است که شامل پیامبر نیز می‌شود. در این صورت، تشریح پیامبر با امر پروردگار هماهنگ و یکسان است و هر آنچه را خداوند به پیامبر تفهیم می‌کند، همان را می‌فهمد. به همین دلیل، فاعل مافوق و رهبری که تمام جهان را اداره می‌کند، خداوند است و پیامبر مانند سلیمان نبی، یک فاعل قریب یا فاعل بالتسخیر، آن‌هم تحت اراده و اداره خداوند است که در موارد تشریح، تنها شریعت الهی را تبیین می‌نماید و در مسائل فردی و مسائل اجتماعی نیز قوانین کلی شریعت را بر موضوعات جزئی منطبق می‌کند. (همان: ۱۱۱ - ۱۱۰)

در تبیین احکام با رویکرد تفویض‌ناپذیری تشریح، با توجه به آیه: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^۱ (حشر / ۷)، رجوع به پیامبر به‌معنای تفویض احکام نیست و تنها برای تبیین آیات قرآن است؛ در احکام نیز این امر به‌معنای برطرف شدن ابهام در موارد تطبیق یا معلوم شدن مصادیق مقید و خاص از احکام مطلق یا عمومی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۸۴)

ج) تبعیت پیامبر از وحی الهی؛ به گفته قرآن، پیامبر در برابر انتظارات نابجای مشرکان بر متابعت از وحی تأکید کرده، می‌فرماید: «... إِنْ أَتَيْتُمْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيْكُمْ». (احقاف / ۹) با توجه به ادله موجود و نیز آیه «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»، (اعراف / ۱۵۸) علت اینکه هدایت انسان‌ها در تبعیت از پیامبر اکرم نهفته است، درحقیقت تابعیت پیامبر از وحی است. او همواره تأکید داشت که در همه احوال و امور شخصی و اجتماعی و همچنین احکام صادر شده از جانب او، تابع محض وحی الهی است و اگر از علوم غیبی آگاهی داشته باشد، بدان جهت است که خداوند، اسرار و علوم غیبی را از طریق وحی در اختیار ایشان قرار می‌دهد. (جوادی آملی، ۲۱ / ۰۱ / ۱۳۹۵، تفسیر سوره احقاف، جلسه ۶)

۲. تفویض‌پذیری تشریح به معصومین

در پذیرش تفویض تشریح، سه تعریف و مفهوم از معنای تفویض در آرای آیت‌الله جوادی وجود دارد:

الف) امضای خداوند (تفویض اعتدالی)؛ تفویض به‌معنای امضای خداوند بر تقاضای پیامبر اکرم با

۱. و آنچه را فرستاده [ی خدا] برای شما آورده، پس آن را بگیرید [و اجرا کنید] و آنچه شما را از آن منع کرد، پس خودداری کنید.

محوریت اطاعت از پیامبر. این محوریت بدین سبب است که به‌طور کلی اطاعت از حدود الهی، طبق آیه: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ...»^۱ (نساء / ۱۳) مستحق پاداش و طبق آیه: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا...»^۲ (نساء / ۱۴) مستحق عذاب است؛ از منظر آیت‌الله جوادی، حدود الهی علاوه بر قوانین مطرح در قرآن، شامل قوانینی که جنبه رسالت دارند - یعنی از طریق الهام و وحی غیر قرآنی بر پیامبر ابلاغ می‌شوند - و قوانینی که جنبه رسالت نداشته، تنها جنبه امامتی و ولایتی دارند و پیامبر برای اداره امت اسلامی، این احکام را صادر می‌کند، نیز می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۷ / ۶۰۸ - ۶۰۷)

علت اطاعت از پیامبر از نگاه ایشان، آن است که خداوند ابتدا پیامبر را بر محور محبت خود تربیت کرد و سپس به مقام خُلُقِ عظیم رساند و پس از آن احکام خود را به او یاد داد تا هدف خلقت و راه رسیدن به آن هدف را بداند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۸ / ۹۴) و آنگاه به دیگران دستور داد: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا». (حشر / ۷) (همان: ۱۰۲)

آیت‌الله جوادی در تفسیر این آیه، با ذکر این نکته که بسیاری از اهل سنت، مثل فخر رازی و زمخشری، اطاعت از پیامبر در اوامر و نواهی مربوط به مسائل حکومتی و تبیین احکام را به‌طور مطلق پذیرفته‌اند، (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۷) در شرح روایات تفویض در تفسیر روایی نورالثقلین و کتب کافی و عیون اخبار الرضا، معتقد به ارائه معنای معتدلی از تفویض است. (همان: ۸) تفویض اعتدالی یعنی حضور مستقل و دائمی خداوند در همه امور، چه تشریح و چه تکوین؛ با این توضیح که در امور دینی (تشریعیات) مانند افزایش رکعات نماز و روزه و تحریم مسکرات، به دلایل متعددی به پیامبر اذن داده شده تا برخی امور تشریحی را از خدا تقاضا نماید و خداوند این امور را در نهایت امضا کند.^۳ (همان: ۱۴)

ارائه این مفهوم از تفویض، یعنی اطاعت از پیامبر، یکی از قوانین الهی و از طرق اطاعت خداوند و در حقیقت مجرای آن است.

ب) تفویض ولایت در تشریح؛ تفویض به معنای داشتن ولایت در تشریح معصومین در حوزه‌های مختلف قابل تبیین و توضیح است که این حوزه‌ها عبارت است از:

۱. اینها مرزهای خدا است؛ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کند، وی را در بوستان‌های [بهشتی] درآورد ...
۲. و هر کس که خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند و از مرزهایش تعدی کند، او را در آتشی وارد می‌کند که در آنجا ماندگار است.
۳. فصارت الفریضة سبع عشرة رکعة، ثم سن رسول الله ﷺ النوافل أربعاً وثلاثين رکعة مثلي الفریضة فأجاز الله عزوجل له ذلك ... وفرض الله في السنة صوم شهر رمضان و سن رسول الله ﷺ صوم شعبان وثلاث أيام في كل شهر مثلي الفریضة فأجاز الله عزوجل له ذلك ... و حرم الله عزوجل الخمر بعينها و حرم رسول الله ﷺ المسكر من كل شراب فأجاز الله ... و عاف رسول الله ﷺ أشياء و كرهها لم ينه عنها نهي حرام. إنما نهي عنها نهي إغافة و كراهة، ثم رخص فيها فصار الأخذ برخصته واجباً على العباد كوجوب ما يأخذون بنهيه و عزائمه، و لم يرخص لهما رسول الله ﷺ فيما نهاهما عنه نهي حرام ... (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۸۷ / ۱ - ۲۶۷ - ۲۶۶)

یکم. تفویض محبت؛ یکی از غایات انسان، محبوب شدن نزد خداوند است. محبت به اهل بیت و اطاعت از اوامر و نواهی ایشان در احکام دین، جزء قوانین تشریحی اسلام است که سعادت انسان و قرب به خداوند و محبوب شدن نزد او را به همراه دارد. قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...»^۱ (آل عمران / ۳۱) در روایات متعددی نیز تأکید شده که دین جز محبت نیست. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۸۰) نتیجه این محبت، اطاعت انسان از خداوند خواهد بود. پیامبر اکرم و اهل بیت مجرای فیوضات و مظهر محبت الهی و محبوب‌ترین نزد خداوند هستند. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۸ / ۱۱۲ - ۱۱۱)

آیت‌الله جوادی با تأکید بر محور بودن اطاعت خدا در محبت به اهل بیت، با استناد به این سخن امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ فَقَالَ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ - وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ - مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ فَوَّضَ إِلَيَّ عَلَى وَائْتَمَنَهُ فَسَلِّمْتُمْ...» (کلینی، همان: ۱ / ۲۶۵) پیامبر را محور محبت الهی و مجرای فیض خداوند دانسته که مردم را به سوی خداوند دعوت می‌کند؛ او این محوریت محبت الهی و مجرای فیض بودن را به اذن خداوند، به حضرت علی علیه السلام و سایر اهل بیت تفویض می‌کند. این امر، نشان‌گر وجوب اطاعت از مجاری فیض (پیامبر و اهل بیت) به‌منظور رسیدن به فیض الهی است. (جوادی آملی، همان: ۱۰۴ - ۱۰۳)

دوم. تفویض تدبیر؛ از منظر آیت‌الله جوادی با توجه به روایت امام باقر و امام صادق که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَيَّ نَبِيَّهُ أَمْرَ خَلْقِهِ لِيُنْظَرَ كَيْفَ طَاعَتُهُمْ...»^۲ (کلینی، همان: ۲۶۶) تفویض امر خلق، همان تفویض تشریح به‌معنای تفویض در کیفیت تدبیر انسان‌ها است؛ این تدبیر شامل تعلیم و تلاوت، تهذیب و تزکیه و امور سیاسی و حکومتی است. (جوادی آملی، همان: ۱۰۵ - ۱۰۴)

ایشان برای اثبات دقیق‌تر تفویض تدبیر سیاسی به معصومین نیز به حدیثی از امام صادق علیه السلام اشاره کرده که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ... ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لِيَسُوَسَ عِبَادَهُ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ... وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ مُسَدِّدًا مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدْسِ لَا يَزِلُّ وَلَا يَخْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوَسُ بِهِ الْخَلْقَ» (کلینی، همان: ۲۶۶) و نتیجه می‌گیرد که اداره امور مربوط به سیاست و اجرای قوانین شریعت در این حوزه به پیامبر اکرم تفویض شده است. او معتقد است سیاست، اجرای حدود و تعزیرات و انجام امر به معروف و نهی از منکر را به‌منظور تعلیم به مردم و تهذیب آنها دربر می‌گیرد. علت این تفویض در بیان امام صادق علیه السلام تأیید رسول خدا به روح‌القدس است؛ به‌گونه‌ای که پیامبر در همه موارد وضع تشریح در حوزه تدبیر انسان‌ها - یعنی سیاست - معصوم باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۸ / ۱۰۵) در واقع پیامبر به این دلیل مفوض است که ابتدا از طرف

۱. اگر همواره خدا را دوست می‌دارید، پس از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و پیامد [گناهان] شما را برایتان بیامزد.
۲. خداوند امر خلقش را به پیامبر تفویض کرد.

خداوند تسدید و تأیید شده و سپس برخی امور به ایشان واگذار شده است. (همو، ۱۳۷۶: ۱۰)

علت تفویض تدبیر سیاسی به پیامبر در آیه: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ...»^۱ (نور / ۶۲) محور بودن ایشان در مسائل اجتماعی است. به همین دلیل، یکی از قوانین تشریح الهی این است که مسلمانان همیشه در صحنه اجتماع حاضر باشند و اگر خواستند از صحنه خارج شوند، این کار باید با اذن پیامبر و اهل بیت انجام شود. پیامبر نیز از طرف خداوند این اختیار را دارد که به هر کسی خواست، اذن خروج دهد. (همان: ۱۲۲ - ۱۲۱)

آیت‌الله جوادی آیه: «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» (آل عمران / ۶۱) و روایت: «فَمَا قَوَّضَ اللَّهُ إِلَىٰ رَسُولِهِ فَقَدَ قَوَّضَهُ إِلَيْنَا» (کلینی، همان: ۲۶۸) را دلیلی بر این ادعا می‌داند که سایر معصومین همانند نفس پیامبر هستند و خداوند آنها را نیز تحت تأدیب و تعلیم خویش درآورده و به مقام خُلق عظیم رسانده است و به همین دلیل، وظیفه اداره سیاسی - اجتماعی بندگان نیز همانند پیامبر به ایشان داده شده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱ / ۲۵۳ - ۲۵۲)

سوم. تفویض تبیین احکام؛ تفویض ولایت در تشریح، شامل تفویض در تبیین احکام نیز می‌شود که علت این امر، ارتباط میان انسان کامل و حقیقت قرآن است؛ زیرا براساس آیات: «فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، (واقع / ۷۹ - ۷۸) همان طور که در عالم ظاهر هیچ کس نباید بدون طهارت، خطوط قرآن را مس نماید، دستیابی و فهم باطن قرآن و دریافت حقیقت آن نیز تنها با معصومین است. در واقع تفویض تشریح، به ودیعت نهادن احکام و اوامر و نواهی انشایی و همچنین اذن و توانایی تفسیر باطن قرآن از سوی خداوند به معصومین است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۹ - ۳۸)

ج) تفویض ولایت بر تشریح؛ از منظر آیت‌الله جوادی تفویض تشریح به معنای داشتن ولایت بر تشریح معصومین می‌تواند قابل پذیرش و تبیین باشد. در تبیین تفویض تشریح، بین ایشان و علامه طباطبایی تفاوت‌هایی دیده می‌شود. شاید تفاوت احتمالی نظر این دو در تبیین و تفسیر مصادیق تشریح و تفویض تشریح به معصومین، در تفسیر «فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ» (نجم / ۴) باشد. علامه طباطبایی ضمیر «أوحی» را به جبرئیل برمی‌گرداند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۲۹) و جبرئیل را واسطه وحی در این آیه می‌داند. او همچنین در شرح اتفاقات معراج، احکام تشریحی را که در خلال آن عروج وضع شد، تقاضاها و اقتضائات حال پیامبر اکرم ذکر می‌کند که از سوی خداوند اجابت شد؛ (همان: ۱۳ / ۷ / ۲۹) درحالی که آیت‌الله جوادی آن ضمیر را به خداوند برمی‌گرداند و معتقد به وحی بر پیامبر در شب معراج است. (جوادی آملی، ۰۸ / ۱۲ / ۱۳۹۵، تفسیر سوره نجم، جلسه ۲)

شواهد اثبات این ادعا عبارت است از:

۱. مؤمنان تنها کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار اجتماعی همراه او باشند، [از نزدش] نمی‌روند تا از او رخصت بگیرند.

یکم. **نظام اسباب و مسببات در عالم تشریح**؛ بنابر آیه: «فَالْمُدَكِّرَاتِ أَمْرًا» (نازعات / ۵) خداوند برای امور عالم واسطه قرار داده است و ملائکه تدبیر اموری را که خداوند حتمی کرده، برعهده دارند و واسطه آن امر هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۱۸۲) همچنین استناد امری به ایشان در طول سبب اصلی (ذات باری) اشکالی ندارد. (همان: ۱۸۴) انسان کامل در هر زمان، یعنی معصومین و در این عصر حضرت حجت علیه السلام نیز مدبر امر تشریح و بیان احکام الهی هستند؛ زیرا خداوند برای تعلیم به ملائکه، آدم را واسطه قرار می دهد و می فرماید: «يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ». (بقره / ۳۳) (جوادی آملی، ۲۱ / ۰۱ / ۱۳۹۵، تفسیر سوره احقاف، جلسه ۶)

دوم. ولایت تکوینی اخص، دلیل تفویض تشریح؛ براساس روایت‌های: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى نَبِيِّهِ أَمْرَ خَلْقِهِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتْهُمْ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۶۶) و «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ- إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقِي عَظِيمٌ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لِيَسُوَسَ عِبَادَهُ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ- مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ مُسَدِّدًا مُؤَفِّقًا مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ» که از منظر آیت‌الله جوادی، به ترتیب صحیح و حسن شمرده می شوند، (جوادی آملی، ۲۱ / ۰۱ / ۱۳۹۵، تفسیر سوره احقاف، جلسه ۶) از علل واگذاری امر دین به پیامبر، آزمایش مردم و به کمال رساندن پیامبر به دست خداوند است.

مشیت خداوند در به کمال رساندن پیامبر همان ولایت تکوینی اخص است که موجب می شود تمامی معارف و علوم وحیانی، اعم از تفسیر و تأویل قرآن و نیز باطن و حقایق قرآن به ایشان و به دنبال آن، به سایر معصومین تعلیم داده شود و به دلیل داشتن مقام انسان کامل، قلب پیامبر و معصومین جز اراده خداوند و زبان ایشان جز مشیت الهی چیزی نمی خواهد. در واقع تمامی وجود انسان کامل زمان، ظرفی برای تحقق اراده الهی است. (جوادی آملی، ۲۱ / ۰۱ / ۱۳۹۵، تفسیر سوره احقاف، جلسه ۶)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَ وَكَرَّ لِزَادَةَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَشَاءُ إِلَّا مَنْ يَشَاءُ اللَّهُ»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۳۸۵) امام زمان علیه السلام نیز می فرماید: «بَلْ قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا وَاللَّهُ يَقُولُ وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»^۲ (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۷) بر این اساس، قلب امام ظرفی برای تحقق مشیت الهی است. آیت‌الله جوادی آملی مضمون روایت فوق را معتبر می داند. (جوادی آملی، ۲۱ / ۰۱ / ۱۳۹۵، تفسیر سوره احقاف، جلسه ۶) با این بیان، هم بسته بودن دست خداوند رد می شود و هم جایگاه معصومین واسطه بودن ایشان در نظر گرفته می شود. همچنین مشخص می گردد که واگذاری تشریح به معصومین به این معنا نیست که ایشان حکمی را براساس اجتهاد شخصی و بریده از وحی و از روی حدس و دلیل یا از روی ظن و گمان، کشف و آن را بیان کنند.

۱. امام آشیانه اراده خداوند است؛ به جز خواسته خدا نمی خواهد.

۲. قلوب ما ظرف مشیت الهی است، پس هنگامی که خدا بخواهد، ما می خواهیم و خداوند می فرماید: نمی خواهید مگر چیزی که خدا می خواهد.

سوم. حقیقت و نقش انسان کامل در تشریح و بیان حقیقت وحی؛ آیت‌الله جوادی آملی معتقد است انسان کامل در نظام تشریح، نقش مستقیم‌تر و کلیدی‌تری نسبت به ملائکه و قرآن دارد؛ زیرا از منظر ایشان، اولین مخلوق خداوند، انسان کامل است که با توجه به احادیث: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۹۷) و «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورَ نَبِيِّكَ» (همان: ۱۵ / ۴) مصادیق آن، پیامبر و ائمه اطهار هستند. همچنین با توجه به آیه: «وَإِنَّكَ لَتَلَقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل / ۶) انسان کامل در مقام ولایت کلی، برتر از قرآن است؛ در واقع قرآن در معیت انسان کامل است؛ هرچند در عالم مادی، معصوم موظف به اطاعت از قرآن و اجرای احکام آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۱ - ۴۰)

ایشان با قبول روایت: «هُوَ بَحِيثُ النَّجْمِ مِنْ أَيْدِي الْمُتَنَوِّلِينَ وَوَصَفِ الْأَوْصِيَّةِ فَأَيُّ الْإِخْتِيَارِ مِنْ هَذَا وَأَيُّنَ الْعُقُولُ عَنْ هَذَا»^۱ که در وصف امامت از زبان امام رضا علیه السلام صادر شده است، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵ / ۱۲۵) علاوه بر آنکه حقیقت امامت و خلافت الهی را کمتر از کتاب الهی نمی‌داند، آن را برای بشر عادی غیر قابل شناخت می‌داند و علت تعیین انسان کامل معصوم از سوی خداوند را غیر قابل شناخت بودن معصوم نزد سایر انسان‌ها می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۱ - ۴۰)

انسان‌های کامل (پیامبر و معصومین) بزرگ‌ترین کلمه خداوند هستند و هیچ‌چیز همانند انسان کامل نمی‌تواند خداوند را نشان دهد؛ (همان: ۶۲) لذا چون اهل بیت بنا بر حدیث ثقلین از قرآن جدانشدنی هستند و عدل قرآن شمرده می‌شوند، حکمتی از قرآن در هیچ مرتبه‌ای باقی نمی‌ماند که اهل بیت ندانند. بر این اساس، جبرئیل می‌تواند تنها الفاظ وحی (عربی مبین) را به پیامبر برساند. در مراتب عالی وحی، براساس: «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (زخرف / ۴) و در مقام ام‌الکتاب که قرآن با عنوان «علی» و «حکیم» وصف شده است، سخن از لسان و لفظ نیست و در چنین مقامی، جبرئیل هرگز نمی‌تواند این «علی حکیم» را به پیامبر تعلیم دهد؛ زیرا در واقع فهم حقیقی تشریح خداوند (عربی مبین) را انسان کامل می‌فهمد و جبرئیل تنها حامل عربی مبین است.

علاوه بر آن، به دلیل تعلیم آدم به ملائکه در آیه: «يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ» (بقره / ۳۳) و «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ» (حجر / ۳۰) پیامبر و معصومین حقیقت تعالیم الهی را از جانب حکیم و علیم دریافت و به ملائکه تعلیم می‌دهند؛ علت سجده ملائکه به انسان کامل - در این عصر، امام زمان علیه السلام - همین است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۲ / ۱۵، تفسیر سوره نجم، جلسه ۵)

چهارم. وحی مشافهه‌ای به پیامبر؛ پیامبر در برخی موارد، وحی را به صورت مشافهه دریافت می‌کرد؛ (همو، ۱۳۹۰: ۱ / ۱۴۵) یعنی گاهی وحی بدون هیچ واسطه‌ای به صورت لدنی و از سوی خداوند بر پیامبر

۱. (امامت) مانند ستاره‌ای است که از دسترسی و وصف آن از عهده مردم خارج است، پس بشر نمی‌تواند خود امام خویش را انتخاب کند و عقل او هم نمی‌تواند امام را بشناسد.

تجلی پیدا می‌کرده است. (همو، ۱۳۸۳: ۱ / ۵۵ - ۵۴) نمونه‌ای از این وحی در شب معراج پیامبر است که قرآن در وصف آن می‌فرماید: «فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ عَبْدِي مَا أَوْحَىٰ». (نجم / ۱۰) آیت‌الله جوادی وحی در شب معراج را به‌طور مستقیم به خداوند نسبت داده، با این توصیف، کلمات این وحی را از سنخ لفظ و صوت و قرارداد و اعتبار نمی‌داند. (همان: ۵۸) با چنین تفسیری از آیه و نیز با توجه به کم و زیاد کردن برخی احکام در معراج، (کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۸۷) به نظر می‌رسد آیت‌الله جوادی معتقد است پیامبر از طریق وحی به‌صورت مشافهه، مواردی از تشریح را دریافت کرده و به ایشان تفویض شده است.

ایشان با شرح روایات تفویض، تفویض تشریح را با فرض اینکه تعیین آن حکم شرعی با وحی خداوند و بیان آن از سوی معصوم با الهام الهی و امضای آن نیز با وحی الهی باشد، منافی توحید و ربوبیت خداوند ندانسته، آن را می‌پذیرد. (جوادی آملی، ۲۱ / ۰۱ / ۱۳۹۵، تفسیر سوره احقاف، جلسه ۶)

پنجم. وحی تشریحی به ائمه؛ امام صادق علیه السلام در باب نزول وحی به ائمه، ضمن شکایت از مردم، که برای هدایت یافتن خود به دستورهای پیامبر عمل می‌کنند؛ ولی به اخذ علم امامان از پیامبر اعتقاد ندارند، درباره وحی به اهل بیت می‌فرماید: «نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ ذُرِّيَّتُهُ فِي مَنَازِلِنَا نَزَلَ الْوَحْيُ وَمِنْ عِنْدِنَا خَرَجَ الْعِلْمُ إِلَيْهِمْ»^۱. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۹۸) از این حدیث می‌توان نتیجه گرفت که وحی بر معصومین نیز نازل می‌شده است. علامه مجلسی در تفسیر «مهبط الوحی»، وحی اخبار غیبی و وحی در شب قدر، وحی در مسائل تشریحی از قبیل تأکید بر اعتبار احکام شریعت و حتی فراتر از آن را، منحصر در پیامبران ندانسته، به‌طوری که ائمه نیز این وحی را دریافت می‌کردند. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۵ / ۴۵۸)

آیت‌الله جوادی نیز در توضیح «مهبط الوحی» در زیارت جامعه کبیره، با استناد به آیه: «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ»، (آل عمران / ۶۱) نتیجه‌ای مشابه با علامه مجلسی می‌گیرد؛ با این استدلال که چون نفوس معصومین همانند نفس پیامبر هستند و همان جایگاه را دارند، وحی در هر یک از موارد زیر می‌تواند به ائمه نازل شود: وحی در شب قدر، وحی برای اطلاع از غیب، وحی برای اطلاع از حوادث آینده یا کسب آرامش (وحی تسدید) و وحی تشریحی. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱ / ۱۴۱ - ۱۴۰) در واقع ایشان وحی به ائمه را شامل اقسام مختلف وحی دانسته، می‌گوید: چنان که ممکن است مراد از آن، اعم از وحی تشریحی، وحی تسدید، اخبار غیبی و امثال آن باشد که بر همه معصومان نازل می‌شود و اختصاصی به رسول اکرم ندارد. (همان: ۱۴۱)

ششم. فرض النبی و فرض المعصوم در تشریحات؛ با وجود مسلم بودن پیروی پیامبر از وحی، روایاتی وجود دارد که به پیامبر جعل تشریح استناد داده می‌شود؛ مانند روایت امام باقر علیه السلام: «... وَفَوْضَ إِلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَرَادَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ رَكَعَاتٍ وَ هِيَ سُنَّةٌ ... فَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي صَلَاةِ الْمُقِيمِ غَيْرِ الْمُسَافِرِ رَكَعَتَيْنِ فِي الظُّهْرِ وَ

۱. ما اهل بیت و ذریه پیامبر هستیم، در منازل ما وحی نازل می‌شود و از نزد ما علم به ایشان صادر می‌شود.

العَصْرِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةَ وَرُكْعَةً فِي الْمَغْرِبِ لِلْمُقِيمِ وَالْمُسَافِرِ»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۷۳)

با توجه به این قبیل روایات، دو نوع تشریح در نظر فقها و متکلمان مصطلح شده است: تشریحاتی که مستقیم از سوی خداوند وضع می‌شود که به «فرض الله» مشهور است و تشریحاتی که بر زبان پیامبر جاری شده، «فرض النبی» خوانده می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۳ / ۲۵۳)

روایات ده‌گانه تفویض، (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۶۸ - ۲۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳ / ۱۵۵ - ۱۴۱) به‌طور ضمنی به مشابهت شئون ائمه در تشریح به پیامبر اشاره دارد؛ از این منظر، آیت‌الله جوادی از چنین تشریحاتی که بر زبان اهل بیت جاری می‌شود، به «فرض المعصوم» نیز یاد می‌کند. (جوادی آملی، ۲۱ / ۰۱ / ۱۳۹۵، تفسیر سوره احقاف، جلسه ۶) به‌کارگیری «فرض المعصوم» یا «فرض الامام»، در نظام تشریح نادر است؛ با وجود این، آیت‌الله جوادی این واژه را در تشریحات امامان معصوم به کار برده است. «فرض المعصوم» از آن جهت است که معصومین، جزء مخلصین هستند؛ به‌گونه‌ای که شیطان نمی‌تواند آنها را فریب دهد. علاوه بر آن، اهل بیت در مسیر وحی هستند و خداوند ایشان را وارث پیامبر در امور تشریحی قرار داده و تمامی معارف قرآن، اعم از تفسیر و تأویل قرآن، ظاهر و باطن قرآن و حقایق قرآن را به ایشان یاد داده است. (جوادی آملی، ۲۱ / ۰۱ / ۱۳۹۵، تفسیر سوره احقاف، جلسه ۶)

هفتم. اعطایی بودن علم معصومین؛ آیت‌الله جوادی با استناد به سیزده باب از کتاب کافی و آیه: «يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ» (بقره / ۳۳) معتقد است تمامی علوم و حقایق عالم از طرف خداوند با واسطه یا بی‌واسطه به معصومین اعطا شده است. (جوادی آملی، ۲۲ / ۰۱ / ۱۳۹۵، تفسیر سوره احقاف، جلسه ۷) این علوم می‌تواند شامل علم به امور دینی و تشریحات نیز باشد و اعطای این علم می‌تواند مقدمه‌ای برای تفویض تشریح از سوی خداوند به معصومین باشد.

امام حسین علیه السلام نیز در احتجاج با مرد کوفی، بر نزول وحی در خانه خود و علم الهی خود تأکید داشته، می‌فرماید: «به خدا قسم برادر کوفی! اگر تو را در کوفه می‌دیدم، رد پای جبرئیل و نزول وحی بر جدم را در خانه خود به تو نشان می‌دادم. برادر کوفی! سرچشمه علم مردم پیش ماست. آیا آنها می‌دانند و ما چیزی را نمی‌دانیم؟» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۹۹)

هشتم. نقش اختیار معصومین علیهم السلام؛ کلینی در شرح روایت: «... وَمَا يَتَقَرَّبُ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ...» از امام صادق علیه السلام می‌نویسد: کسی که جمیع امور خود را به خداوند تفویض کند و عبد حقیقی او شود، به جایی می‌رسد که هر آنچه را خداوند اراده کند، اراده می‌کند. (همان: ۲ / ۳۵۳) آیت‌الله

۱. ... و به محمد صلی الله علیه و آله تفویض شد، پس به نمازها هفت رکعت اضافه کرد و این سنتی شد ... پس پیامبر دو رکعت در نماز ظهر و عصر و عشاء مقیم غیر مسافر اضافه کرد و یک رکعت در نماز مغرب مسافر و مقیم اضافه کرد.

جوادی نیز با تأیید این روایت معتقد است انسان‌ها و به‌خصوص معصومین با اختیار خویش، بندگی خداوند، تهذیب نفس و معرفت نفس، به درجه‌ای می‌رسند که مجاری ادراکی و تحریکی آنها مظهر ادراک و تحریک الهی می‌شود و آن‌چنان همه‌چیز را با کشف و شهود خواهند دید که واقعیت هیچ‌چیز از نظر ایشان پنهان نمی‌ماند و بدین صورت از اولیای الهی می‌شوند. (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۳۰۹ - ۳۰۷)

نتیجه

با وجود آنکه ممکن است پذیرش تفویض تشریح، به‌خصوص تفویض به‌معنای ولایت بر تشریح، نتایج و تبعات منفی از جمله به چالش افتادن قدرت و ربوبیت الهی یا استقلال معصومین را به همراه داشته باشد، تبیین‌هایی نیز می‌توان ارائه داد که منجر به این نتیجه اشتباه نشود. مهم‌ترین این تبیین‌ها حول حقیقت انسان کامل و نقش آن در نظام تشریح و نیز ارتباط مداوم انسان کامل با وحی است که می‌تواند بین پذیرش تفویض و رفع نتایج منفی جمع کند. اندیشمندان شیعه در مقام ارائه تعریفی از تفویض تشریح برآمده‌اند که بتواند تمام ابعاد مرتبط با موضوع را در نظر داشته باشد.

با نگاه اجمالی به آثار آیت‌الله جوادی آملی، ظاهراً وی مخالف تفویض تشریحی به نظر می‌رسد؛ در صورتی که بررسی تفصیلی آثار ایشان به‌خصوص جلسات تفسیری ایشان در سال‌های اخیر، این نتیجه را در پی دارد که استاد با توجه به ارتباط بین نظام تشریح و تکوین و وحی دائمی از سوی خداوند به معصومین - که شامل وحی تشریحی به ایشان نیز می‌شود - و همچنین مقام والای معصومین و خلقت ایشان در کل نظام عالم و نقش بنیادی ایشان در نظام تشریح، معتقد به تفویض‌پذیری تشریح چه در محدوده ولایت در تشریح و چه در محدوده ولایت بر تشریح است و می‌توان وی را از موافقان این امر به‌شمار آورد؛ تا جایی که با توجه به ارائه مفاهیم اولیه در کل آثار ایشان درباره این مبحث، تغییر نظر از مخالفت با تفویض تشریح به معصومین به موافقت با آن، امری است که از ابتدا قابل پیش‌بینی بوده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، محقق / مصحح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۳. _____، ۱۴۱۳ ق، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۱، محقق / مصحح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، ج ۴، بیروت، دار المعرفه.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۹، *ولایت در قرآن*، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۶. _____، ۱۳۸۳، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، قرآن در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
۷. _____، ۱۳۸۴، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۹-۸ سیره رسول اکرم در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۹.
۸. _____، ۱۳۸۶، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۱۷، قم، مرکز نشر اسراء.
۹. _____، ۱۳۸۷، ولایت فقیه، ولایت فقهت و عدالت، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۰. _____، ۱۳۹۰، ادب در فنای مقربان، ج ۱ و ۷، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۱. _____، اسفند ۱۳۷۶ و فروردین ۱۳۷۷، (تفسیر سوره حشر (اطاعت از اوامر و نواهی پیامبر ﷺ و مفهوم تفویض)، پاسدار اسلام.
۱۲. _____، مجموعه دروس تفسیر، ادامه مباحث تفسیر، www.portal.esra.ir
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۱، ۶، ۱۲، ۱۴، و ۲۰ - ۱۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ ق، الغیبه، قم، دار المعارف الاسلامیه.
۱۵. _____، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۶. علم الهدی، علی بن حسین، ۱۳۷۶، الذریعه الی اصول الشریعه، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران.
۱۷. عزیزاده نجار، مرتضی، ۱۳۹۳، «حق تشریح امام بین نفی و اثبات»، قم، تحقیقات کلامی، ش ۶، ۱۰۲ - ۱۰۱.
۱۸. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، ۱۳۸۹، اخلاق فاضل، ج ۱، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۱۹. فاریاب، محمدحسین، ۱۳۹۴، «نقش امام در تشریح، دریافت و تفسیر دین»، قم، فلسفه و کلام، ش ۹۴.
۲۰. فیض کاشانی، محمدحسین، ۱۴۰۶ ق، الوافی، ج ۶، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۲۱. قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۶، آیین خاتم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
۲۳. کدیور، محسن، اردیبهشت ۱۳۸۵، «بازخوانی نظریه علمای ابرار»، فصلنامه مدرسه (قرائت فراموش شده)، سال اول، شماره سوم، ص ۱۰۲ - ۹۲.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، ج ۳ - ۱ و ۸ محقق / مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، ج ۵ . ۲۵، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۲۶. _____، ۱۴۰۴ ق، مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۳، محقق / مصحح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

- ۴۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال ۱۴، بهار ۹۷، ش ۵۲
۲۷. مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ ق، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، ج ۱ و ۵، محقق / مصحح حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۲۸. مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۸۹، *مکتب در فرآیند تکامل*، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران، کویر.
۲۹. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، *بحوث فقیهیه هامة*، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۱. _____، ۱۳۸۶، *پیام قرآن*، ج ۱۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. _____، ۱۴۲۷ ق، *دائرة المعارف فقه مقارن*، ج ۱، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۳. _____، ۱۴۲۸ ق، *أنوار الأصول*، ج ۳، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۴. نیکویی، حجت الله، ۱۳۹۴، *سایت العقیده*، بی نا.
۳۵. نفری، مهدی و محمد کرمانی کجور، ۱۳۹۲، «تفویض تشریع به معصومان علیهم السلام» در رویکرد عالمان امامی، قم، *امامت پژوهی*، ش ۹، ۱۷۱ - ۱۷۰.